

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان و نگارش: ا. م. شیری
۲۶ اپریل ۲۰۲۳

محافظت از بشریت در مقابل فاشیسم! مانیفست اتحاد خلق‌های جهان



این سند در مجمع بین‌المللی ضد فاشیسم در مینسک در ۲۲ اپریل ۲۰۲۳ به تصویب رسید.

شهر مینسک، جمهوری بلاروس، موزه تاریخ جنگ کبیر میهنی

ما، شرکت کنندگان مجمع بین‌المللی ضد فاشیسم از کشورهای آسیا، امریکا و اروپا، در مینسک گرد هم آمده‌ایم تا با شرکت خود به جنگ و ارتجاع، به نئوفاشیسم و ظلم بگوئیم «نه»!

ویدئوی مجمع بین‌المللی

ما در خاک بلاروس ملاقات کردیم که هر وجب از خاک آن به خون میلیون‌ها قربانی هیتلریسم آغشته است. اینجا در جون ۱۹۴۱ بود که جنگ مقدس همه خلق‌های شوروی علیه طاعون قهوه‌ای آغاز شد. یک سوم جمعیت جمهوری سوسیالیستی بلاروس شوروی در اثر تجاوز نازی‌ها کشته و شکنجه شدند.

نازیسم محصول مستقیم بحران سرمایه‌داری بود. در نتیجه عطش سرمایه‌های کلان برای حفظ سلطه بر زحمتکشان به هر قیمتی، رشد کرد. امپریالیست‌ها برای اهداف خودخواهانه خود راه حمایت از سیاه‌ترین نیروها را در پیش گرفتند. آن‌ها هیتلر، موسولینی، فرانکو و همدستان ایدئولوژیک آنان را به قدرت رساندند. نازی‌ها از طردشدگان سیاسی به تعیین‌کنندگان سرنوشت میلیون‌ها انسان تبدیل شدند.

مردم جهان حق ندارند تجربه مبارزه با فاشیسم را فراموش کنند. جنگ داخلی اسپانیا با حمایت المان نازی و ایتالیای فاشیست در سال ۱۹۳۶ آغاز گردید. مقاومت مردمی از حمایت اتحاد جماهیر شوروی و بسیاری از نیروهای مترقی جهان برخوردار شد. اما در آن زمان فاشیسم قوی‌تر بود. این جنگ، راه وحشتناک‌ترین جنگ در تاریخ بشر را هموار

کرد. گام‌های قاطع به سمت ایجاد کوره‌های آدم‌سوزی و اتاق‌های گاز بوخنالد و ماوتهاوزن، داخائو و سوبیبور، مایدانک و آشویتس برداشته شد.

درس‌های غم‌انگیز گذشته را باید بخوبی آموخت و همیشه به خاطر سپرد! جهان برای خلاص شدن از شرّ نازیسم بهای گزافی پرداخت. قهرمانان این مبارزه- سربازان و افسران ارتش سرخ، سربازان کشورهای ائتلاف ضد هیتلری، مبارزان ارتش آزادیبخش خلق چین، نمایندگان مقاومت فرانسه و ایتالیا، اعضای سازمان مخفی ضد فاشیست المان، پارتیزان‌های یوگسلاوی و کوریایی، میهن‌پرستان پولندی و چکسلواکی شکوه و عظمت لایزال خود را نشان دادند. اهتزاز پرچم سرخ بر فراز رایشناگ در ماه مه ۱۹۴۵ نه تنها یک واقعیت خاص از گذشته، بلکه این است که معنا و اهمیت پیروزی بزرگ بر فاشیسم به آینده معطوف شده است. آن زنگ خطر را به صدا در می‌آورد و برای قلوب نسل‌های جدید جذاب است.

دود سیاه آتش جنگ مانند دهه‌سی قرن گذشته در سراسر سیاره ما پخش می‌شود. افق را تاریک‌تر و تاریک‌تر می‌کند. اتحاد و شجاعت انسان‌های نیک‌سیرت لازمه مبارزه اصولی با جنگ است.

وضعیت به شدت نگران‌کننده است. استعمارنو در افریقا و امریکای لاتین دندان خود را نشان می‌دهد. امپریالیست‌ها اوضاع آسیا را متشنج می‌کنند. در زیر غرش توپ‌ها در اروپا و سایر نقاط جهان خون‌ها ریخته می‌شود. اندوه و رنج مردم چند برابر می‌شود. فریادهای مجروحان و ناله‌های انسان‌های در حال مرگ دوباره به گوش می‌رسد. اشک‌های مادران گریان جاری می‌شود. به نظر می‌رسد که جهان در برابر چشمان ما آماده سقوط به ورطه شکافی است، که در آن نمای اهریمنی صلیب شکسته با وضوح بیشتر و بیشتر نمایان می‌شود.

نابودی خائنانه اتحاد جماهیر شوروی، کشوری که فاشیسم را شکست داد، هوس شکارچیان جهانی را برانگیخت. سرمایه جهانی احساس امنیت کامل کرد، که دیکتاتوری خود را با زشت‌ترین شیوه‌ها تحمیل می‌کند. تهدید مرگبار انتقام فاشیستی دوباره هر روز بیشتر می‌شود. وحوش نازیسم زخم‌های کهنه خود را لیسیده و به سرعت در حال قدرت گرفتن است؛ جسورتر شده و در جست و جوی قربانیان جدید از لانه خود بیرون می‌خزد.

شرّ جهانی در پوشش نئولیبرالی بازگشته است. یک ساختار جهانی سرقت از همه کشورهای و ملت‌ها ایجاد نموده، یوگسلاوی، عراق، افغانستان، لیبیا و سوریه را مورد تجاوز قرار داد. به تلاش‌های دامنه‌داری برای سرنگونی دولت‌های قانونی و نژونلا، نیکاراگوه و بلاروس دست زده است. در اثر اعمال تحریم‌ها مردم روسیه و چین، کوبا و کوریای شمالی را تحت فشار قرار داده است. از تهدید نظامی و باج‌خواهی سیاسی استفاده می‌کند.

در آستانه جنگ جهانی دوم، نیروهای مهاجم هیتلر توسط سرمایه مالی هدایت می‌شدند. در قرن بیست و یکم نیز نازی‌های تازه به دوران رسیده را تربیت می‌کند. فاشیسم که ۷۸ سال پیش شکست خورد، از روی زمین محو نشده است. زیرا، الیگارش‌های جهانی به وجود و خدمات آن بشدت نیاز دارد. به همین دلیل است که نازی‌ها در ویلنیوس و تالین راهپیمایی می‌کنند؛ در کئیف کتاب‌ها را می‌سوزانند؛ یادواره‌های سربازان آزادیبخش اتحاد شوروی را در وارسا تخریب می‌کنند؛ نمایندگان پارلمان اروپا در لباس‌های گران‌قیمت با صدور زشت‌ترین قطعنامه‌ها، سعی می‌کنند نازیسم هیتلر و سوسیالیسم شوروی را برابر جلوه دهند. ارواح شیطانی فاشیسم برای گرفتن انتقام تاریخی به راه افتاده است.

حمایت مستقیم امریکا و متحدانش در ناتو، ایدئولوژی نازیسم را به ایدئولوژی دولتی اوکراین ارتقاء داد. سال‌هاست که وحوش باندرا به بازی خونین در کئیف مشغول هستند و توده‌ها را مسخره می‌کنند. آن‌ها اوکراین را به یک اردوگاه کار اجباری برای مخالفان تبدیل کرده‌اند؛ رسانه‌های معترض را بسته، فعالیت‌های مخالفان را ممنوع کرده‌اند؛ به اقدامات انتقام‌جویانه علیه کمونیست‌ها دست زده‌اند و تمامی مدافعان آرمان‌های برادری خلق‌ها و وفاداری به پیروزی بزرگ بر

فاشیسم را سرکوب می‌کنند. نازی‌ها مردم را در اودسا زنده زنده سوزاندند، منفجر کردند و آن‌ها را در گوشه و کنار کشتند. سال به سال، ستیزمجویان «آزوف» با نشان پنجه‌گرگ روی بازوها، دونباس را به وحشت انداختند. ساکنان شجاع آن برای مبارزه رهاپخش علیه میلیتاریسم و نئونازیسم به پا خاستند.

دولت‌های غربی در حال تزریق تسلیحات به اوکراین باندی هستند. زلنسکی تمایل خود را برای داشتن زرادخانه هسته‌ای اعلام کرده است. اما ناتو نه تنها با او مخالف نکرد، حتی آمادگی خود را برای بازآرایی ارتش اوکراین بر اساس ستندردهای خود اعلام نمود و دیوانگان لندن آماده هستند تا گلوله‌های حاوی اورانیوم ضعیف‌شده را به دست رژیم نئونازی اوکراین برسانند.

کشورهای ناتو تنها انواع تسلیحات‌کشنده را ارسال نمی‌کنند. آن‌ها تمام دنیا را با پایگاه‌های نظامی خود پر کرده‌اند. چهارصد آزمایشگاه بیولوژیک ایالات متحده در کشورهای مختلف به آزمایش خطرناکترین ویروس‌ها و باکتری‌ها مشغول هستند. پیامدهای این اقدامات می‌تواند توسعه مسالمت‌آمیز کل کشورها را مختل سازد. علاوه بر این، آن‌ها کل بشریت را به عنوان یک گونه زیستی تهدید می‌کنند.

کمونیست‌ها همیشه خاطر نشان کرده‌اند: «فاشیسم یعنی جنگ»! سیر حوادث بار دیگر این مدعا را تأیید می‌کند. تنها یک پاسخ از سوی مردم وجود دارد: هیولای فاشیسم باید نابود شود. باسیل‌های طاعون قهوه‌ای بسیار خطرناک هستند. آن‌ها باید با اطمینان و سریع نابود شوند. بهای بی‌احتیاطی به شدت بالا خواهد بود. وحشتی که در نورنبرگ محکوم شد، نباید تکرار شود. ما حق نداریم به ارتجاع جهان اجازه دهیم مرتکب جنایات خونین جدید شود.

اعمال و افکار غرب امپریالیستی به زهر نفرت بدخواهانه نسبت به هر پدیده مترقی، مستقل و آزاد آغشته شده است. بایدن و شولتس، فون در لاین و بورل، دودا و موراوایسکی، همه آن‌ها فقط پیشکاران پشتیبانی در نظام دیکتاتوری جهانی هستند. موفقیت شغلی آن‌ها مستقیماً با تمایل آن‌ها برای خدمت به منافع الیگارش‌های مالی جهانی تعیین می‌شود.

جهانی‌گرایان اقدامات خود را با بازیابی شبه‌روشنفکری می‌پوشانند. آن‌ها ارتجاعی‌ترین عقاید را بر پایه نظریات نیچه، چمبرلین و گوینو درباره «ابرمرد» و «برتری نژادی» مبتنی می‌سازند. آن‌ها یک آمیزه انفجاری از نئومالتوسیانیسم و پسا-اومانیسم می‌سازند. در مورد «اولویت پیشرفت تکنولوژی بر توسعه اجتماعی» چرنوبیل انسان‌دوستانه مطرح می‌کنند. آن‌ها ردایل و انحرافات را به عنوان انسان‌گرانی می‌ستایند. ایده‌های منسوخ را که الهامبخش هیتلر و همدستانش بود، در بسته‌بندی‌های شبه‌علمی «مهندسی بیولوژیک» کلاوس شواب و امثال او ارائه می‌دهند.

همه این «نوآوری» دروغین، دشمنی با مردم است و بواسطه کسانی که تحت تأثیر تعصبات قومی و نژادی قرار دارند و مشتاق انتقام گرفتن از مردم به سبب پیروزی بر فاشیسم و استعمار هستند، ترویج می‌شود. این محافل درگیر ایده کنترل کامل بر بشریت هستند. آن‌ها با اعلام لغو فرهنگ بزرگ روسیه قصد دارند فرهنگ انسان‌گرایانه کل جهان را نابود کنند و همه ما را در زمان وحشیگری بی‌سابقه و اردوگاه کار اجباری الکترونیکی نابود سازند.

نئولیبرالیسم دشمن شریک هرگونه توسعه مستقل و هنجارهای دموکراتیک است. نظام‌های سیاسی غرب به عمق استبداد مطلق سقوط کرده‌اند. نخبگان بورژوازی رابطه خود با ارزش‌های آزادی و انساندوستی را از دست داده‌اند. اقدامات و رفتارهای آن‌ها درها را به روی نئوفاشیسم باز می‌کند.

سرمایه‌داری که از عذاب به خود می‌پیچد، به هر قیمتی به زندگی می‌چسبد و اصلاً از تناسخ فاشیسم نمی‌ترسد. ارتجاع جهانی فقط وارثان هیتلر و موسولینی، فرانکو و سالازار، آنتونسکو و مانرهایم، پیلوسودسکی و کوئیسلینگ را تشویق می‌کند؛ خاطره جنگ جهانی دوم را دیوانه‌وار از یادها می‌زداید و حقایق تاریخ را جعل می‌کند.

طرح‌های «نظم نوین جهانی» به تهاجم و درگیری، نئوفاشیسم و استعمار نو، تهدید جنگ جهانی جدید تبدیل می‌شود. تمام دنیا امروز به میدان جنگ تبدیل شده است و ما باید در این نبرد به نام تمامی بهترین‌هایی که فرهنگ جهانی ایجاد کرده است، به نام آینده شایسته بشر، پیروز شویم!

اتحاد و انسجام نیروهای صلحدوست کره زمین رمز موفقیت ماست. مقاومت پیروزمندانه در برابر ارتجاع جهان فقط می‌تواند جهانی باشد. ما عمیقاً متقاعد شده‌ایم که همبستگی انترناسیونالیستی ما می‌تواند از بشریت در برابر تهدیدات فاشیستی محافظت کند و از سقوط به ورطه جنگ جهانی باز دارد. ما این را اینجا در بلاروس، در این سرزمین مقدس، که پیوند ناگسستنی بین گذشته، حال و آینده در آن کاملاً تحقق یافته است، قاطعانه اعلام می‌کنیم.

دوستان عزیز! در طول سال‌های آتشین جنگ جهانی دوم، اتحاد نظامی بزرگی از مخالفان بربریت فاشیستی- اتحاد بین کمونیست‌ها و میهن‌پرستان، رزمندگان دمکرات و ضد ظالم شکل گرفت. همه این نیروها علی‌رغم اختلافات اجتماعی و عقیدتی، تفاوت دیدگاه‌های سیاسی و مذهبی متحد شدند. این ندای زمان بود. دوره نوین آزمایش‌ها، به شدت خواستار اتحاد عمل همه افراد نیک‌سرشت است.

برای مبارزه با نئونازیسم، ارتجاع و میلیتاریسم متحد شویم!

زنده باد جبهه متحد نیروهای مترقی!

زنده باد همبستگی زحمتکش‌شان و خلق‌ها در مبارزه علیه فاشیسم!

ما اجازه نخواهیم داد جهان را منفجر کنند!

آن‌ها عبور نخواهند کرد! (توضیح این شعار آخر)

برگرفته از: [پورتال دانشمندان با گرایش سوسیالیستی روسیه](#)

۵ اردیبهشت-ثور ۱۴۰۲